

سرویس ترکیه/خبرگزاری اران

بابک اسماعیلی

خبرگزاری اران / سرویس آذربایجان : سران پنج کشور ترکیه، اتریش، مجارستان، بلغارستان و رومانی در حضور نمایندگان حدود 20 کشور اروپایی، آسیای مرکزی و آمریکایی روز دوشنبه موافقت نامه احداث خط لوله ناباکو را در هتل ریکسوس آنکارا به امضا رساندند. این در حالی است که اغلب کارشناسان اقتصادی همچنان معتقدند با توجه به عدم مشارکت ایران و مشکلات گسترده و پیچیده موجود بر سر راه عملیاتی شدن این پروژه، امضا کردن این موافقت نامه بیشتر یک حرکت دارای پیام سیاسی برای مسکو است تا آنکه دارای یک مفهوم عملیاتی باشد.

طرح خط لوله ناباکو دارای مشکلات و ابهاماتی است که در صورت برطرف نشدن آن ها و دخالت ندادن ایران در این پروژه، اجرایی شدن این خط لوله بیشتر به رویا می ماند تا یک واقعیت. در این راستا تاثیر این خط لوله بر معادلات انرژی در منطقه را از چند زاویه می توان مورد بررسی و تحلیل قرارداد:

1- آنچه کشورهای اروپایی را بیش از پیش، برای اجرایی شدن این خط لوله متحد و مصمم کرده است، وابستگی شدید این کشورها به انرژی روسیه و استفاده مسکو از انرژی به عنوان یک اهرم ابزاری در جهت تامین منافع و سیاست های راهبردی کرملین است. استفاده مسکو از سلاح انرژی تاکنون دوبار به طور جدی اروپایی ها را به وحشت انداخته است. تجربه مناقشه گازی روسیه و اوکراین در دسامبر 2008 میلادی یکی از آنهاست. در پی آن، کشورهای اروپای مرکزی و جنوب اروپا با کاهش شدید واردات گاز در فصل سرما مواجه شدند.

واقعیت این است که وابستگی شدید اروپا به نفت و گاز روسیه، ابزار قوی و کارسازی برای حفظ و دفاع از منافع ملی در اختیار این کشور گذاشته و قدرت چانه زنی آن را در حوزه های مختلف سیاسی و اقتصادی افزایش داده است. سران اتحادیه اروپا برای رهایی از وابستگی به انرژی روسیه تاکنون طرح های متعددی ارائه کرده اند که مهم ترین آنها پروژه موسوم به «ناباکو» است. براساس این طرح، گاز تولید شده در آذربایجان و آسیای مرکزی از طریق خط لوله ای با عبور از خاک گرجستان به ترکیه و از آنجا به اتریش منتقل خواهد شد. خط لوله 3300 کیلومتری ناباکو که برای احداث آن دست کم 10 میلیارد دلار مورد نیاز می باشد، قرار است سالانه 31 میلیارد متر مکعب گاز را طی دو مرحله به اروپا منتقل کند. بنابر این خط لوله جدید با وجود چالش ها و معضلات ویژه خود، یکی از خوش بینانه ترین پروژه ها برای محدود کردن وابستگی اروپا به گاز روسیه قلمداد می شود.

2- نگرانی مسکو از عملیاتی شدن این پروژه بسیار روشن است. خط لوله ناباکو بیشتر با هدف به حداقل رساندن وابستگی کشورهای اروپایی به روسیه در حوزه انرژی مطرح شده است. بنابر این کاملاً مسلم است که مسکو به هیچ وجه تمایل نداشته باشد تا جایگاه انحصاری خود در تامین انرژی اروپا را از دست دهد. در حال حاضر کشورهای اروپایی بین 30 تا بیش از 90 درصد گاز و نفت مصرفی خود را از طریق روسیه تامین می کنند. بنابر این طبیعی است که روس ها اساساً با این پروژه موافقت نکنند. این مخالفت تا بدان حد استراتژیک است که «الکساندر دوگین» کارشناس مشهور روسیه در گفتگو با روزنامه روسی «کامرسانت» اظهار داشته است: «برای جلوگیری از اجرای خط لوله گاز طبیعی ناباکو اگر لازم باشد، جنگ جدیدی را نیز باید آغاز کرد. وی در ادامه گفته است: «گاز طبیعی مسئله ای ژئوپلیتیک برای روسیه است و اگر لازم باشد باید در این پروژه مداخله نظامی هم صورت گیرد.»

3- البته مخالفت روسیه با این طرح، اجرایی شدن پروژه ناباکو را منتفی نمی کند. روس ها در خصوص پروژه باکو - تفلیس - جیحان نیز دیدگاه مثبتی نداشتند، اما دولت آمریکا با حمایت های سیاسی و اقتصادی همه جانبه از کشورهای آذربایجان، گرجستان و ترکیه که در مسیر این خط لوله بودند و با تزریق منابع مالی کلان، این پروژه را با وجود آنکه منطق و صرفه اقتصادی نیز به دنبال نداشت، اجرایی کردند. بنابر این در حوزه قفقاز و خط لوله ناباکو نیز آنچه مهم می باشد؛ مساله قدرت و رقابت های استراتژیک کشورها در این حوزه است. کشورهای اروپایی چنانچه بتوانند با کشورهای منطقه قفقاز و به ویژه جمهوری اسلامی ایران همکاری کنند، می توانند این پروژه را اجرایی کنند.

4- عدم تمایل آمریکا و برخی دیگر از کشورها در دخالت دادن ایران در این پروژه، از همان ابتدا طرح «ناباکو» را با اغراض سیاسی مواجه کرد. عدم دعوت از ایران برای شرکت در نشست بوداپست که برای تصمیم گیری در مورد این خط لوله برگزار شد، خود مهر تاییدی بر اولویت نگاه سیاسی بر نگاه تجاری و اقتصادی در اجرای این پروژه است. آمریکا در راستای سیاست سلطه جویانه خود در مقابل با ایران و به زعم خود در انزوا قرار دادن کشورمان، با هرگونه مشارکت ایران در این پروژه مخالف است و اعتقاد دارد با مشارکت ایران در این خط لوله، امنیت اروپا بیش از پیش به ایران گره خورده و علاوه بر بالا بردن قدرت چانه زنی کشورمان در مباحثی نظیر موضوع هسته ای و دیگر مسایل جهانی و منطقه ای، منابع عظیم مالی را به سوی ایران سرازیر می کند. از همین رو ایالات متحده با فشار بر اتحادیه اروپا، خواستار کنار گذاشتن ایران و عدم استفاده از پتانسیل عظیم انرژی کشورمان در این پروژه است. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران به تنهایی بیش از 16 درصد از ذخایر گازی دنیا را در اختیار دارد و ذخایر اثبات شده آن نیز از ذخایر گاز دیگر شرکت کنندگان در نشست بوداپست، نظیر جمهوری آذربایجان، مصر، عراق و ترکمنستان بیشتر است. مقامات ایرانی بارها اعلام کرده اند که قادرند به تنهایی سالانه 37 میلیارد متر مکعب گاز به اروپا صادر کنند. بنابر این بدیهی است که با شکل گیری چنین خط لوله ای و دسترسی اروپاییان به انرژی کشورهایی نظیر ایران، وابستگی اروپا به گاز روسیه به شدت کاهش می یابد. سخنان «وولفگانگ روتن استورفر» مدیر اجرایی شرکت O.M.V. اتریش که یکی از اعضای کنسرسیوم خط لوله ناباکو نیز تاییدی بر این ادعاست.

وی اظهار داشت: «ایران دومین ذخایر بزرگ دنیا را در اختیار دارد و این که بگوییم نباید گاز ایران از طریق این خط لوله منتقل شود، بی معناست.»

5- در کنار خبر امضای احداث خط لوله، حرکت ایران در صفحه شطحنج ناباکو نیز قابل تامل و در آینده ای نزدیک بسیار تاثیرگذار است. ایران در پاسخ به این حرکت آمریکا و هم پیمانان منطقه ای خود در اروپا و آسیا، احداث خط لوله پارس (Persian Pipeline) را به طول 1740 کیلومتر به منظور انتقال گاز ایران به اروپا در دستور کار خود قرارداده است. هدف از اجرای این طرح، انتقال روزانه 110 میلیون متر مکعب و سالانه 37 میلیارد مترمکعب گاز طبیعی تولید شده از پنج فاز 20 تا 24 میدان پارس جنوبی (بزرگترین مخازن مشترک گازی جهان) به اروپاست. این مقدار 20 درصد بیشتر از گاز انتقالی ناباکو و پروژه جریان جنوبی (ساوث استریم) است که به تنهایی حدود یک چهارم نیاز گازی اروپا را تامین می کند. از سوی دیگر، احداث خط لوله پارس تنها 8 میلیارد دلار هزینه خواهد داشت که بسیار کمتر از طرح «ناباکو» و «ساوث استریم» است.

در مجموع همانگونه که «ریچارد مورنینگ استار» فرستاده ویژه وزیر امور خارجه آمریکا در امور انرژی اوراسیا، بارها بدان اشاره کرده است، ایالات متحده از وارد شدن جمهوری اسلامی ایران به این پروژه به هر قیمتی جلوگیری خواهد کرد. بنابر این در این مقطع خاص، حضور ایران در این پروژه را باید منتفی دانست.

بنابر این با توجه به امضای موافقت نامه اولیه این پروژه در آنکارا توسط سران برخی کشورهای اروپایی و آسیای مرکزی بدون حضور ایران از یک سو و مخالفت جدی روسیه با اجرایی و عملیاتی شدن این پروژه تا سال 2013 میلادی از سوی دیگر، باید گفت اگر چه خط لوله ناباکو ممکن است در مراحل ابتدایی خود بتواند با گاز صادراتی جمهوری آذربایجان و ترکمنستان اجرایی شود، ولی در درازمدت برای ادامه حیات و رقابت با روس ها، سخت به جمهوری اسلامی ایران و گاز آن نیازمند است. این قضیه بیشتر متصور است که روس ها تلاش دارند همچنان قدرت انحصاری خود در تامین انرژی اروپا را حفظ و به هر روشی از دسترسی اروپا به منابع جایگزین جلوگیری کنند.

البته مشکلات و معضلات مهم دیگری نیز در عدم موفقیت این خط لوله مطرح است. منبع اصلی تامین گاز این پروژه منابع انرژی جمهوری آذربایجان است. براساس مدارک موجود، این منابع در حالت خوشبینانه با اجرایی شدن پروژه تا سال 2020 میلادی به اتمام خواهد رسید. در این صورت، کنار گذاشتن ایران از ناباکو باعث نرسیدن ظرفیت این خط لوله به 30 میلیارد مترمکعب در سال می شود که این خود به تنهایی عاملی است تا پروژه ناباکو بدون حضور ایران اقتصادی نباشد.

در همین حال مسیر ترانزیت این پروژه نیز خود گرفتار مشکلاتی است. یکی از مسائلی که دولت های اروپای شرقی را بر آن داشته تا در پروژه ناباکو به صورت جدی نقش آفرینی نکنند، قراردادهای سخت گیرانه این کشورها با شرکت روسی «گاز پروم» است و این شرکت روسی هوشمندانه با هدایت کرملین و از طریق مذاکرات بسیاری که با این کشورها داشته است، قصد دارد آنان را به خط لوله جریان جنوبی (ساوث استریم) که رقیب خط لوله ناباکو است، متعهد کند. این مهم در کنار وابستگی شدید این کشورها به گاز شرکت گازپروم و مشخص نبودن منابع مالی خط لوله ناباکو و موفقیت این طرح و از همه مهم تر غلبه نگاه سیاسی بر نگاه تجاری در ناباکو، موفقیت پروژه استراتژیک برای اروپا را در هاله ای از ابهام قرار داده است.

پایان پیام.